

## نی داود

مرتضی نی‌داود در سال ۱۲۷۹ خورشیدی در تهران در خانواده‌ای موسیقی پیشه زاده شد. پدرش «بالاخان» در زمان خود از مشاهیر موسیقی بود. تنبک را به‌خوبی می‌نواخت، و با موسیقی‌دانان زمان خود حشر و نشر داشت. منزل آنان محل تجمع و محفل هنرمندان بود. نی‌داود از دوران کودکی چنین یاد می‌کند:

«بنده خیلی کوچک بودم. دوستان پدرم می‌آمدند و ساز می‌زدند. بنده می‌شنیدم و لذت می‌بردم. تا تصادفی شد. روزی بنده با ساز ور می‌رفتم. چیزی کی شده بود، صدائی از آن در می‌آمد. پدرم گویا صدا را شنیده بود. پرسید: تو می‌زدی؟ عرض کردم: بله، من می‌زدم. شش سال داشتم که بنده را برد خدمت «آقا حسینقلی».»

نی‌داود چند سالی به‌شاگردی می‌ماند و کلیهٔ ردیفهای آقا حسینقلی را فرامی‌گیرد. پس از آن آقا حسینقلی به بالاخان «پدر نی‌داود» پیشنهاد می‌کند که مرتضی را به‌شاگردی نزد «غلامحسین درویش» ببرد. بالاخان نیز چنین می‌کند. نی‌داود می‌گوید:

«بنده دوره‌های آقا حسینقلی را تمام کرده بودم و کلاس درویش‌خان برایم اصلاً اشکالی نداشت. درویش‌خان از بنده خیلی راضی بود. مرا خیلی دوست می‌داشت. آن روزها درویش‌خان به‌شاگردانش نشان و مدال می‌داد. مس، نقره و طلا. بنده طی سالها، هر سه نشان را گرفتم.»<sup>۲</sup>

### غلامحسین درویش

مرتضی نی‌داود در مورد استادش، درویش‌خان می‌گوید:

«درویش‌خان مرد بزرگی بود. در موسیقی انقلاب کرد. به‌موسیقی ایران خدمت کرد. ما همه در محضرش روی زمین می‌نشستیم، دایره‌وار، شاگردها می‌آمدند و وسط می‌نشستند و مشق می‌کردند. درویش‌خان مرد بسیار خوبی بود. عده‌ای شاگرد فقیر داشت که حتی به آنها پول هم می‌داد، دوتا دختر داشت. یکی همان اوائل فوت کرد. که ضربه‌ای سخت برایش بود. دیگری چند سال پیش فوت کرد. درویش‌خان مردی سالم، صحیح و اخلاقی بود. خیلی دوست داشتنی بود.

در زمان آقا حسینقلی هم‌ه‌اش آواز بود. رنگ و پیش درآمد مرسوم نبود.

۱- نشریه «سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی - کالیفرنیا» از قول آقای مرتضی نی‌داود نوشته است «من متولد سال ۱۲۷۹ خورشیدی هستم». توسط آقای محمود ذوالفقون «موسیقی‌دان و نوازنده»، از آقای خشایار نی‌داود «فرزند مرتضی نی‌داود» سؤال شد و ایشان سال ۱۲۷۹ خورشیدی را تأیید کردند.

روح‌الله خالقی، سال تولد نی‌داود را ۱۲۸۵ نوشته است که صحیح نمی‌نماید.

۲- روح‌الله خالقی نوشته است «مدال مخصوص تبریز».

پیش درآمد را درویش خان رسم کرد. کار دیگری که درویش خان کرد این بود که به تار یک سیم اضافه کرد. تار در زمان آقا حسینقلی پنج سیم داشت. درویش خان یک سیم اضافه کرد. درویش خان کار مهم دیگری هم کرد. او مکررات را به دور ریخت. مکرراتی که لازم نبود. مثلاً در یک دستگاه پانزده مرتبه «نغمه» می نواختند. درویش خان دید لزومی ندارد. پس دستگاه را حک و اصلاح کرد و زوائد را بدور ریخت و موسیقی را تمیز کرد.»

درویش خان در اواخر عمر قسمتی از کلاس خویش را به نی داود جوان واگذار می کند، و نی داود به عنوان دستیار استاد به تعلیم شاگردان می پردازد و تا آخرین لحظه زندگی درویش خان، نی داود در کنار او بود و کلاس او را اداره می کرد.

### مدرسه درویش

پس از مرگ غلامحسین درویش، در زمانی که ولی الله نصر ریاست فرهنگ را به عهده داشت، نی داود به اداره فرهنگ مراجعه می کند و اجازه تأسیس یک مدرسه موسیقی می گیرد، و در خیابان فردوسی، کوچه بختیاری «کوچه بانگ ملی» کلاسی تأسیس می کند، و به عنوان قدردانی از استاد خویش نام مدرسه را «مدرسه درویش» می گذارد. در این مدرسه، تار، ویلن و آواز تدریس می شد. معروفترین شاگردان نی داود که در این مدرسه تعلیم دیده اند عبارتند از: قمرالملوک وزیری (خواننده)، حسین سنجری (موسیقی دان و نوازنده تار و پیانو)، حسین یاحقی (نوازنده تار و کمانچه). نی داود تا زمانی که قوایش اجازه می داد در این مدرسه تدریس می کرد.

### خدمات و آثار

مرتنی نی داود، آهنگها، پیش درآمدها، رنگها و تصانیف زیادی ساخته، و از آن جمله است. «شاه من، ماه من». «آتشی برسینه دارم جاودانه»، «مرغ حق» و معروفترین آنها، آهنگ تصنیف مرغ سحر است که شعر آن را ملک الشعرا بهار گفته است و در مایه ماهرور می باشد.

داغ مرا تازه تر کن	مرغ سحر ناله سر کن
برشکن و زبر و زبر کن	ز آه شربار، این قفس را
نغمه آزادی نوع بشر سرا	بلبل پر بسته ز کنج قفس در آ
پر شرر کن	وز نفس عرصه این خاک توده را
آشیانم، داده بر باد	ظلم ظالم، جور صیاد
شام تارک ما را سحر کن.	ای خدا، ای فلک، ای طبیعت.
ابر چشمم، زاله بار است	نوبهار است، گل بیار است
تنگ و تار است.	این قفس، چون دلم
دست طبیعت گل عمر مرا مجین	شعله فکن در قفس ای آه آنشین
بیشتر کن، بیشتر کن، بیشتر کن	جانب عاشق نگر ای تازه، گل ازین
	مرغ بیدل، شرح هجران، مختصر کن.

مهمترین و شایسته ترین خدمت نی داود به موسیقی ایرانی، ثبت و ضبط تمام دستگاهها،

و ردیفهای موسیقی ایرانی بر روی نوار است که سندی است جاودان برای پژوهشگران و پویندگان موسیقی ایرانی. در این باره چنین توضیح می‌دهد:

«وزارت اطلاعات و رادیو تلویزیون از من دعوت کرد تا از موسیقی ایرانی، یعنی محفوظات نوار تهیه کنم. بنده با همه کهرت و خستگی رفتم، برای ضبط موسیقی ایرانی، کارم یک سال و نیم طول کشید. هر روز می‌رفتم در استودیو یک صندلی بود و سازی هم بود، می‌نشستم و می‌زدم. در مدت یک سال و نیم، دویت و نودو هفت نوار تهیه شد. تمام دستگاهها، گوشه‌ها و ردیفها را زدم. خیلی خسته شدم، اما کار را رها نکردم. نگذاشتم خستگی بر من غلبه کند. می‌خواستم بنده هم به سهم خودم خدمتی کرده باشم. بعداً البته لطف کردند و یک کپی از این مجموعه نوار را به خودم دادند که نگهداشته‌ام و موجود است و همیشه خواهد ماند. این افتخاری است که من برای خود قائلم. با این کار موسیقی ما دیگر نمی‌تواند پایمال بد خواهان شود. اگر من مردم مطمئن هستم که این موسیقی نمی‌میرد. دلم خوش است که برای مملکت این کار را کرده‌ام.»

### تأسیس رادیو

«در شب افتتاح رادیو بنده هم افتخار حضور داشتم و از همان ابتدا نیز یک برنامه داشتم. بنده با ابوالحسن صبا، مرتضی معجوبی، حبیب سماعی، منصور، عبدالحسین شهنازی، حسین تهرانی، بدیع‌زاده، ادیب‌خوانساری، بنان، روح‌انگیز، قمرالملوک وزیری، ملوک ضرابی، روح بخش برنامه اجرا می‌کردیم. می‌ساختیم، به هم یاد می‌دادیم، تمرین می‌کردیم. پیش‌درآمدها را با هم می‌زدیم.

برنامه‌ها زنده بود، البته ضبط می‌شد و نگهداری میشد.»

### امکان تغییر فرم در موسیقی ایرانی

این سؤال مطرح می‌شود که آیا نی‌داود هرگز در صدد آن بوده است که در فرم موسیقی ایرانی تغییری به وجود آورد و مثلاً هشت دستگاه متداول را بیشتر یا کمتر سازد؟ پاسخ او اینست:

«خیر، بنده بهیچ وجه در دستگاهها دست نبرده‌ام، نمی‌شود، مطلقاً نمی‌شود. بنده چیزهای ضربی زیاد ساخته‌ام، تصنیف، پیش‌درآمد و رنگ زیاد ساخته‌ام، اما هیچکس نمی‌تواند آواز اضافه کند. دستگاهها بسته‌اند و تمام و کمال هستند. وقتی شور هست، شور دیگری نمی‌شود ساخت. آنها که این دستگاهها را ساخته‌اند، حق همه را داده‌اند و ادا کرده‌اند. اینها قالبها هستند. بنده تصور نمی‌کنم بشود قالب تازه‌ای ساخت، تازه مگر شما همه گوشه‌ها را شنیده‌اید. «بیداد» را همه شنیده‌اید، اما چیزهای دیگر را شنیده‌اند. هر گوشه با گوشه دیگر فرق دارد، گوشه‌ها زیاد بزرگ نیستند که بشود در یک گوشه از یک دستگاه زیاد کار کرد. اما مثلاً در شور می‌شود، اگر در یک گوشه از یک دستگاه شروع کنی، می‌توانی از گوشه‌ای دیگر، نزدیک به آن کمک بگیری. باز هم همه اینها یک قطعه نمی‌شود.»

در جواب این پرسش که آیا می‌شود به سهولت از یک دستگاه به دستگاه دیگری

رفت و به دنبال يك آهنگ از يك دستگاه، آهنگ دیگری را از دستگاه دیگر شروع کرد، می گوید:

«نمی شود قطعه‌ای را در يك گوشه از شور شروع کرد و با يك گوشه از همایون ادامه داد. به گوش ناخوش آیند است. خیلی تفاوت دارند. البته در موسیقی ایرانی هم می شود پاساژ ساخت. یعنی به تدریج می شود از يك دستگاه به دستگاه دیگر رفت. اما اگر يك مرتبه پیری، این جهش به گوش خوش نمی آید، ناموزون است. اما دستگاههای به هم نزدیک داریم.»

### منابع و مأخذ

۱- گفتگو با استاد نی داود که در اسفندماه ۱۳۵۵ خورشیدی بر روی نوار ضبط شده است.

۲- دوشنبه بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۶۳ برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴. «سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی - کالیفرنیا» برنامه‌ای به مناسبت بزرگداشت استاد نی داود. در تئاتر ویلشر ایبل "Wilshire Ebell Theatre" در شهر لوس آنجلس، ترتیب دادند. در آن شب نشریه‌ای در شرح حال و خدمات استاد نی داود منتشر کردند که در نوشتن مطلب فوق از آن نیز استفاده شده است.

۳- کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» نوشته روح الله خالقی.

### دندان مصنوعی

بدندان میگزیم لب، لیک با دندان مصنوعی  
 به حسرت میخورم خون دل از شریان مصنوعی  
 بسی سخت است دندان درد، اما سخت تر صدبار  
 تحمل کردن درد است با دندان مصنوعی  
 شکسته بسته کفران مرا یا رب مگیر از من  
 که این بشکسته بهتر باشد از ایمان مصنوعی  
 صفای گریه پنهان بنام، کو برد از دل  
 مالال آشکارای لب خندان مصنوعی  
 بچشم دل تماشاکن، وگر نه در شب تاریک  
 چه بینی با چراغ مرده و چشمان مصنوعی  
 کویر تشنه چشم انتظار بارش رحمت  
 کجا سیراب گردد با نم باران مصنوعی  
 خوست باد! که با این خود فریبی ها، تکلفها  
 طبیعی می نمائی جلوه، ای انسان مصنوعی